

[63]

نویسنده : دیوید برسامیان (David Barsamian)

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «2023-04-10»

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

سرمایداری وحشی (رام نشده)

Savage Capitalism



از تغییرات آب و هوایی تا شکست بانک ها تا جنگ

From Climate Change to Bank Failures to War

نوام چامسکی و دیوید برسامیان

By Noam Chomsky and David Barsamian

متن زیر گزیده ای از مصاحبه اخیر دیوید برسامیان با نوام چامسکی در

AlternativeRadio.org است.]

The following is excerpted from David Barsamian's recent interview with Noam Chomsky at AlternativeRadio.org[.

دیوید برسامیان: در «20» ماه مارچ، هیئت بین دولتی؛ تغییرات آب و هوایی سازمان ملل آخرین گزارش خود را منتشر کرد. ارزیابی جدید IPCC توسط دانشمندان ارشد هشدار داد که زمان کمی برای از دست دادن برای مقابله با بحران آب و هوا وجود دارد. **آنتونیو گوترش**، دبیر کل سازمان ملل متحد، گفت: «نرخ افزایش دما در نیم قرن گذشته بالاترین میزان در 2000 سال گذشته است. غلظت دی اکسید کربن به بالاترین حد خود در حداقل (2) میلیون سال گذشته رسیده است. بمب ساعتی آب و هوا در حال تیک تیک است.» در COP 27 او گفت: «ما در بزرگراهی به سوی جهنم آب و هوایی هستیم و پیمان هنوز روی پدال (یا پایدل) گاز است. این مسئله تعیین کننده عصر ما است. این چالش اصلی قرن ماست **«سوال من از شما این است: شما فکر می کنید بقا یک مسئله گالوانیزه کننده (واکنشی) خواهد بود، اما چرا احساس فوریت بیشتری در پرداختن به آن به شیوه ای اساسی وجود ندارد؟»**

نوام چامسکی: این بیانیه بسیار قوی از سوی **گوترش** بود من فکرمی کنم هنوز هم می تواند قوی تر باشد. این فقط مسئله تعیین کننده این قرن نیست، بلکه تاریخ بشریت است. همانطور که او می گوید اکنون در نقطه ای هستیم که تصمیم می گیریم آزمایش انسان روی زمین به هر شکل قابل تشخیصی ادامه یابد یا خیر. گزارش واضح و واضح بود. ما به نقطه ای می رسیم که فرآیندهای برگشت ناپذیر به حرکت در می آیند. این بدان معنا نیست که همه فردا خواهند مرد، اما ما از نقاط حساسی عبور خواهیم کرد که در آن هیچ کاری نمی توان انجام داد، جایی که فقط به فاجعه تبدیل می شود.

بنابراین بله، این مسئله بقای هر شکلی از جامعه انسانی سازمان یافته است. در حال حاضر نشانه های زیادی از خطر و تهدید وجود دارد، تا کنون تقریباً به طور کامل در کشورهایی که کمترین نقش را در ایجاد فاجعه داشته اند. اغلب گفته می شود، و به درستی، که کشورهای ثروتمند فاجعه را ایجاد کرده اند و کشورهای فقیر قربانیان آن هستند، اما در واقع کمی ظریف تر از آن است. این ثروتمندان در کشورهای ثروتمند هستند که فاجعه را به وجود آورده اند و همه افراد دیگر از جمله فقرا در کشورهای ثروتمند با مشکلات روبرو هستند.

بنابراین، چه اتفاقی می افتد؟ خوب، ایالات متحده و دو حزب سیاسی آن را در نظر بگیرید. یک حزب 100% انکار می کند. که تغییر اقلیم اتفاق نمی افتد یا اگر اتفاق می افتد، به ما مربوط نیست. قانون کاهش تورم اساساً یک قانون برای آب و هوایی بود که **بایدن** از آن عبور کرد، اگرچه کنگره به شدت آن را کاهش داد. حتی یک جمهوری خواه به آن رای نداد. نه یکی هیچ جمهوری خواه به چیزی رأی نخواهد داد که به سود ثروتمندان و بخش شرکتی آسیب بزند، که آنها به شدت به آنها خدمت می کنند.

ما باید به خاطر داشته باشیم که این ساخته نشده است. او یک برنامه کوچک آب و هوایی داشت. نه زیاد ولی به چیزی کنگره، از جمله جمهوری خواهان، در حال بررسی انجام کاری در مورد آنچه که همه می دانستند یک بحران قریب الوقوع است، داشتند. کنگلومرای عظیم انرژی برادران کوخ از آن بهره برد. آنها سال ها تلاش کرده بودند تا اطمینان حاصل کنند که جمهوری خواهان وفادارانه از کمپین آنها برای نابودی تمدن بشری حمایت می کنند. در اینجا، انحراف وجود داشت. آنها کمپین عظیمی را راه اندازی کردند، رشوه دادن، ارباب، نجومی کردن، لابی کردن برای بازگرداندن جمهوری خواهان به انکار کامل، و موفق شدند.

از آن زمان، این حزب اصلی انکارگرا است. در آخرین انتخابات مقدماتی جمهوری خواهان قبل از روی کار آمدن **ترامپ** در سال 2016، همه چهره های اصلی جمهوری خواه که برای نامزدی

ریاست جمهوری رقابت می‌کردند، یا گفتند که گرم شدن زمین وجود ندارد یا شاید وجود داشته باشد، اما این به ما ربطی ندارد تنها استثنای کوچکی که توسط افکار لیبرال بسیار مورد تحسین قرار گرفت، **جان کاسیج**، فرماندار اوهایو بود. و او در واقع از همه بدتر بود. آنچه او گفت این بود: البته گرمایش جهانی در حال وقوع است. البته انسان‌ها در این امر سهیم هستند. اما ما در اوهایو قرار است آزادانه و بدون عذرخواهی از زغال سنگ خود استفاده کنیم. او بسیار مورد افتخار بود که از او برای سخنرانی در کنوانسیون بعدی دموکرات‌ها دعوت شد. خوب، این یکی از دو حزب سیاسی ایالات متحده است. نشانه‌ای از انحراف در میان آنها نیست: بیا بید به سوی نابودی مسابقه دهیم تا اطمینان حاصل کنیم که حوزه انتخابیه ما تا حد امکان غنی و قدرتمند است.

حالا طرف مقابل چطور؟ ابتکار **برنی سندرز**، کنشگری جنبش طلوع آفتاب وجود داشت، و حتی **جو بایدن** در ابتدا یک برنامه آب و هوایی نسبتاً مناسب داشت - نه کافی، بلکه یک گام بزرگ رو به جلو نسبت به گذشته یا این حال، گام به گام توسط اپوزیسیون 100 درصد جمهوری خواه و چند دموکرات دست راستی، **جو مانچین** و **کیرستن سینما**، کاهش می‌یابد. آنچه در نهایت آمد قانون کاهش تورم بود که تنها با ارائه هدایایی به شرکت‌های انرژی می‌توانست از آن عبور کند.

این جنون‌ناهی ساختار نهادی ما را به منصفه ظهور می‌رساند. اگر می‌خواهید نابودی سیاره و زندگی انسان روی زمین را متوقف کنید، باید به ثروتمندان و قدرتمندان رشوه بدهید، تا شاید آنها هم به راه بیفتند. اگر به آنها آب نبات کافی ارائه دهیم، شاید از کشتن مردم دست بردارند. این سرمایه‌داری وحشی است. اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، باید به کسانی که صاحب آن مکان هستند رشوه بدهید.

و ببینید چه اتفاقی می‌افتد. قیمت نفت دور از چشم است و شرکت‌های انرژی می‌گویند: ببخشید پسران، دیگر انرژی پایدار وجود ندارد. ما با نابود کردن شما پول بیشتری به دست می‌آوریم. حتی BP (بریتش پترولیم)، تنها شرکتی که شروع به انجام کاری کرده بود، در اصل گفت: نه، ما از نابود کردن همه چیز سود بیشتری می‌بریم، بنابراین این کار را انجام خواهیم داد.

در کنفرانس COP (کانوکو پلس) گلاسکو بسیار روشن شد. **جان کری**، نماینده آب و هوای ایالات متحده، خوشحال بود. او در اصل گفت ما برنده شدیم. ما اکنون شرکت‌ها را در کنار خود داریم. چگونه می‌توانیم ببازیم؟ خب، یک پاورقی کوچک وجود داشت که توسط **آدام توز**، اقتصاددان سیاسی به آن اشاره شد. او قبول کرد که بله، آنها این را گفته‌اند اما با دو شرط یک، تا زمانی که سودآور باشد به شما می‌پیوندیم. دوم، باید یک تضمین بین‌المللی وجود داشته باشد که اگر ضرری متحمل شدیم، مالیات دهنده آن را پوشش دهد. این همان چیزی است که به آن شرکت آزاد می‌گویند یا چنین ساختار نهادی، خروج از این وضعیت دشوار خواهد بود.

بنابراین، **دولت بایدن** چه می‌کند؟ بیابید پروژه Willow را در نظر بگیریم. در حال حاضر، این امکان را به ConocoPhillips می‌دهد تا پروژه بزرگی را در آلاسکا افتتاح کند، که سوخت‌های فسیلی بیشتری را برای چندین دهه آنلاین خواهد کرد. آنها از روش‌های شناخته شده‌ای برای سخت کردن یخ‌های دائمی آلاسکا استفاده می‌کنند. یکی از خطرات بزرگ این است که یخ‌های دائمی که مقادیر زیادی از سوخت‌های فسیلی پنهان را پوشش می‌دهد، در حال ذوب شدن است و گازهای گلخانه‌ای را به اتمسفر می‌فرستد که هیولایی خواهد بود. بنا بر این، آنها یخ‌های دائمی را سخت می‌کنند. قدم بزرگ رو به جلو! چرا این کار را می‌کنند؟ بنا بر این، آنها می‌توانند از آن برای بهره‌برداری موثرتر از نفت استفاده کنند. این سرمایه‌داری وحشی درست در مقابل چشمان ما با وضوح کامل است. ندیدن آن نبوغ می‌خواهد، اما در حال انجام است.

به نگرش های رایج نگاه کنید، **پیو** نظرسنجی منظم انجام می دهد. آنها اخیراً در یک نظرسنجی از مردم خواسته اند که ده ها موضوع فوری را در اولویت قرار دهند، اگرچه جنگ هسته ای، که تهدید بزرگی مانند تغییرات آب و هوایی است، حتی در فهرست قرار نگرفت. تغییرات آب و هوایی بسیار پایین بود. خیلی مهمتر کسری بودجه بود که اصلاً مشکلی نیست. بسزده درصد از جمهوری خواهان - که تقریباً یک خطای آماری است - فکر می کردند که تغییرات آب و هوایی یک مشکل فوری است. تعداد بیشتری از دموکرات ها این کار را کردند، اما کافی نبود.

سؤال این است: آیا افرادی که به حداقل ارزش های انسانی، مانند بقا، اهمیت می دهند، می توانند به اندازه کافی سازماندهی و عمل کنند تا نه تنها بر دولت ها، بلکه بر نهادهای سرمایه داری که برای خودکشی طراحی شده اند غلبه کنند؟

برسامیان: این سوال همیشه پیش می آید و میلیون ها بار شنیده اید: صاحبان اقتصاد، کاپیتان های صنعت، مدیران عامل، بچه دارند، نوه دارند، چطور به فکر آینده خود نباشند و از آنها محافظت کنند. به جای اینکه آنها را در معرض خطر قرار دهیم؟

چامسکی: فرض کنید شما مدیر عامل **جی پی مورگان** هستید. شما جایگزین **جیمی دیمون** شده اید. شما به خوبی می دانید که وقتی سوخت های فسیلی را تامین می کنید، زندگی نوه های خود را نابود می کنید. نمی توانم ذهن او را بخوانم، اما گمان می کنم آنچه در جریان است این است: اگر این کار را انجام ندهم، شخص دیگری در کار قرار می گیرد که - چون ماهیت چنین مؤسساتی است - سود و سهم بازار را هدف قرار خواهد داد. اگر من را اخراج کنند، شخص دیگری، نه به خوبی من، وارد می شود. حداقل می دانم که ما داریم همه چیز را نابود می کنیم و سعی می کنیم کمی آن را کاهش دهیم. آن مرد بعدی هیچ چیزی را به جان نمی خرد. بنابراین، به عنوان یک خیرخواه نژاد بشر، به تأمین مالی توسعه سوخت های فسیلی ادامه خواهم داد.

این یک موضع قانع کننده برای تقریباً همه افرادی است که این کار را انجام می دهند. به مدت 40 سال، دانشمندان ExxonMobil در کشف تهدیدات و خطرات شدید گرمایش جهانی پیشرو بودند. برای چندین دهه، آنها به مدیریت اطلاع دادند که ما در حال نابودی جهان هستیم و فقط در یک کشور در جایی جمع شده بود.

در سال 1988، **جیمز هنسن**، ژئوفیزیکدان معروف، شهادت سنا داد و اساساً گفت، ما در حال مسابقه دادن به سوی فاجعه هستیم. مدیریت **اکسون موبیل** و سایر شرکت ها باید این موضوع را در نظر می گرفتند. دیگر نمی توانیم آن را در کشور بگذاریم. بنابراین، آنها با کارشناسان روابط عمومی خود تماس گرفتند و گفتند: "چگونه باید این موضوع را مدیریت کنیم؟" و آنها پاسخ دادند: "اگر آن را انکار کنید، فوراً افشا خواهید شد. پس انکارش نکن فقط شک کن بگو، شاید درست باشد، شاید هم نباشد. ما واقعاً همه احتمالات را بررسی نکرده ایم. ما لکه های خورشیدی، سوالات مربوط به پوشش ابر را درک نکرده ایم، پس بیایید به جامعه ای ثروتمندتر و توسعه یافته تر تبدیل شویم. پاورقی کوچک، ما سود بسیار بیشتری به دست خواهیم آورد و بعداً، اگر واقعیتی در این مورد وجود داشته باشد، در موقعیت بهتری برای مقابله با آن خواهیم بود."

این خط تبلیغاتی بود. روابط عمومی بسیار موثر و سپس شما برادران کخ و امثال آنها را می‌خرند که حزب جمهوری خواه یا حزبی سیاسی را می‌خرند و آنها را به انکارگرایان کامل تبدیل می‌کنند و ادعا می‌کنند که شاید این یک حقه لیبرال است و غیره.

دموکرات‌ها از راه‌های دیگری به این امر کمک کردند. یک نکته جالب در مورد انتخابات اخیر در مناطق مرزی تگزاس: مکزیکی آمریکایی‌ها که همیشه به دموکرات‌ها رأی داده بودند، به **ترامپ** رأی دادند. چرا؟ خوب، شما به راحتی می‌توانید تصور کنید: من در صنعت نفت کار دارم. دموکرات‌ها می‌خواهند شغل من را از بین ببرند، خانواده‌ام را نابود کنند، همه اینها به این دلیل است که آن نخبگان لیبرال ادعا می‌کنند که گرم شدن زمین در حال وقوع است. چرا باید آنها را باور کنم؟ به **ترامپ** رأی بدیم حداقل کاری داشته باشیم و بتوانم خانواده‌ام را سیر کنم.

کاری که دموکرات‌ها انجام ندادند این بود که به آنجا رفتند، سازماندهی کردند، آموزش دادند و گفتند: «بحران زیست‌محیطی شما و خانواده‌هایتان را نابود می‌کند. شما می‌توانید شغل‌های بهتری در انرژی پایدار پیدا کنید و فرزندان شما وضعیت بهتری خواهند داشت.» در واقع، در جاهایی که این کار را انجام دادند، برنده شدند. یکی از قابل توجه‌ترین موارد ویرجینیای غربی بود، یک ایالت زغال سنگ، که **جو مانچین**، سناتور صنعت زغال سنگ، در آن بسیار ری از موارد را مسدود کرده است. دوست و همکار من **باب پولین** و گروهش در دانشگاه ماساچوست، PERI، مؤسسه تحقیقات اقتصاد سیاسی، روی زمین در آنجا کار کرده‌اند و اکنون کارگران معدن دارند که خواستار انتقال به انرژی پایدار هستند. کارگران معدن متحد حتی قطعنامه‌هایی را برای آن تصویب کردند.

برسامیان: با توجه به فروپاشی بانک سیلیکون ولی و به دنبال آن بانک سیگنچر و مشکلات بانک **فرست ریپابلیک**، در بخش بانکداری چه می‌گذرد؟

چامسکی: اول از همه، من ادعای تخصص خاصی در این زمینه ندارم، اما افرادی که تخصص دارند، اقتصاددانان جدی که در مورد آن صادق هستند مانند **پل کروگمن**، خیلی ساده می‌گویند: ما نمی‌دانیم. این به 45 سال قبل از شیدایی مقررات زدایی برمی‌گردد. مقررات مالی را رها کنید و به سمت اقتصاد مبتنی بر مالی سوق دهید، در حالی که کشور را صنعتی زدایی کنید. شما پول خود را از راه مالی به دست می‌آورید، نه با ساختن اشیا - تلاش‌های پرخطری که بسیار سودآور هستند اما منجر به سقوط می‌شوند و سپس از دولت، یعنی مالیات دهندگان می‌خواهید که شما را نجات دهد.

در دهه 1950 و 1960 هیچ بحران بانکی بزرگی وجود نداشت، یک دوره رشد بزرگ، زیرا وزارت خزانه داری صنعت بانکداری را کنترل می‌کرد. آن روزها بانک فقط یک بانک بود. مقاداری پول اضافی داشتی، آن را گذاشتی. یک نفر آمد و پول قرض کرد تا ماشین بخرد یا بچه‌اش را به دانشگاه بفرستد. این بانکداری بود یا **جیمی کارتر** کمی تغییر کرد، اما **رونالد ریگان** بهمن بود. شما افرادی مانند **لری سامرز** را دریافت کردید که می‌گویند، بیایید مشتقات را رها کنیم، همه چیز را باز کنیم. بحران‌ها یکی پس از دیگری به وجود آمدند. دولت ریگان با بحران عظیم پس‌انداز و وام پایان یافت. دوباره با مالیات دهندگان دوستانه تماس بگیرید. ثروتمندان پول زیادی به دست می‌آورند و بقیه هزینه‌ها را می‌پردازند.

این همان چیزی است که **باب پولین** و **گری اپستین** آن را «اقتصاد نجات» نامیدند. کسب و کار آزاد، تا زمانی که می‌توانید درآمد کسب کنید، تا زمانی که بحران پیش بیاید و مردم شما را نجات

دهند بزرگترین آن سال 2008 بود. چه اتفاقی افتاد؟ به لطف مقررات زدایی از محصولات مالی پیچیده مانند مشتقات و سایر ابتکارات تحت رهبری بیل کلینتون، شما در صنعت مسکن و سپس در صنعت مالی دچار سقوط شدید .

کنگره قانون TARP را با دو جزء تصویب کرد. **اول**، گانگسترهایی را که از طریق وام‌های رهن خطی، وام‌هایی که می‌دانستند هرگز بازپرداخت نمی‌شوند، باعث بحران شده بودند، نجات داد . **دوم**، برای مردمی که خانه های خود را از دست داده بودند و با سلب مالکیت به خیابان ها رانده شده بودند، کاری انجام داد. حدس بزنید کدام نیمی از قوانینی که **اوباما** اجرا کرد؟ این یک رسوایی بود که بازررس کل وزارت خزانه داری، **نیل باروفسکی**، کتابی نوشت و آنچه را که اتفاق افتاد محکوم کرد. بدون تاثیر در پاسخ، بسیاری از کارگرانی که به اوباما رای دادند و به خط امید و تغییر او رای دادند، رای دهندگان **ترامپ** شدند و احساس کردند حزبی که ادعا می‌کرد طرفدار آنهاست، به او خیانت کرده است .

بار سامیان: جنگ اوکراین اکنون در دومین سال خود است و پایانی در آن متصور نیست. چنین طرح صلحی را برای پایان دادن به آن پیشنهاد کرده است. احتمال وقوع آن به زودی چقدر است؟

چامسکی: جنوب جهانی خواستار حل و فصل مذاکره شده است تا به وحشت ها قبل از بدتر شدن پایان داده شود. البته تهاجم روسیه یک اقدام جنایتکارانه تجاوزکارانه بود. در این مورد سوالی نیست. اوکراینی ها حق دارند از خود دفاع کنند. فکر نمی‌کنم در این مورد هم سوالی وجود داشته باشد.

سوال این است: آیا ایالات متحده با اجازه مذاکرات موافقت خواهد کرد؟ موضع رسمی ایالات متحده این است که جنگ باید برای تضعیف شدید روسیه ادامه یابد. در واقع، ایالات متحده کنون در حال معامله کردن به ارتباط این موضوع است. این کشور با بخش کوچکی از بودجه نظامی عظیم خود، به شدت حریف نظامی اصلی خود، روسیه را که اقتصاد زیادی ندارد، اما ارتش عظیمی دارد، تنزل داده است. می‌توانید بپرسید که آیا به همین دلیل این کار را انجام می‌دهند، اما این یک واقعیت است.

بهبانه ای وجود دارد: اگر به حمایت از جنگ ادامه دهیم، اوکراین را در موقعیت بهتری برای مذاکره قرار خواهیم داد. در واقع، آنها احتمالاً در وضعیت بدتری خواهند بود، زیرا این کشور از نظر اقتصادی در اثر جنگ ویران می‌شود. تقریباً کل ارتش آنها از بین رفته است، با نیروهای تازه نفس جایگزین شده و به سختی آموزش دیده اند. روسیه نیز به شدت رنج می‌برد، اما اگر به قدرت نسبی آنها نگاه کنید، چه کسی در یک بن بست پیروز می‌شود؟ راز بزرگی نیست احتمال نابودی اوکراین وجود دارد، اما موضع ایالات متحده این است: ما باید ادامه دهیم، روسیه را به شدت تضعیف کنیم، و با معجزه ای، اوکراین قوی تر خواهد شد.

بریتانیا از ایالات متحده پیروی می‌کند. اما اروپا چطور؟ تاکنون نخبگان آن با آمریکا همراه شده اند مردم آن، نه چندان روشن. با قضاوت بر اساس نظرسنجی ها، مردم خواستار مذاکره هستند. دنیای تجارت به شدت نگران است. تجاوز جنایتکارانه پوتین نیز از دیدگاه او یک اقدام حماقت جنایتکارانه بود. روسیه و اروپا شرکای تجاری طبیعی هستند. روسیه دارای منابع و مواد معدنی،

فناوری و صنعت اروپا است. در عوض، پوتین بزرگترین آرزویش را در یک بشقاب نقره ای به واشنگتن داد. گفت: با شه اروپا. برو اعمار آمریکا باش، یعنی به سمت صنعتی شدن خواهی رفت.

مجله اکونومیست در میان دیگران هشدار داده است که اروپا در صورت ادامه حمایت از جنگ **نا تو** که توسط ایالات متحده آمریکا، که اکنون بیشتر جهان آن را جنگ نیا بتی بین روسیه و ایالات متحده بر سر اجساد اوکراینی می‌داند، به سمت صنعتی زدایی حرکت خواهد کرد. در واقع، فراتر از آن است. در پاسخ به خواسته های ایالات متحده، **نا تو** اکنون به اقیانوس هند و اقیانوس آرام گسترش یافته است، به این معنی که ایالات متحده اروپا را برای رویارویی با **چین** در چننه دارد، زیرا آن را با حلقه ای از کشورهای که به شدت به سلاح های دقیق ایالات متحده مسلح شده اند، محاصره کرده است.

در همین حال، **دولت بایدن** خواستار جنگ تجاری برای جلوگیری از توسعه **چین** برای یک نسل شده است. ما نمی‌توانیم با آنها رقابت کنیم، بنا براین اجازه دهید آنها را از دستیابی به فناوری پیشرفته جلوگیری کنیم. زنجیره های تامین در جهان به قدری پیچیده هستند که تقریباً همه چیز - پتنت ها، فناوری، هر چیز دیگری - شامل برخی از ورودی های ایالات متحده است. **دولت بایدن** می گوید که هیچ کس نمی‌تواند از هیچ یک از این ها در روابط تجاری با **چین** استفاده کند. فکر کنید این برای هلند که پیشرفته ترین صنعت لیتوگرافی جهان را دارد و قطعات ضروری برای نیمه هادی ها و تراشه ها تولید می‌کند، چه معنایی دارد. از سوی واشنگتن دستور داده شده است که معامله با بازار اصلی خود، **چین** را که ضربه بسیار جدی به صنعت آن است، متوقف کند. آیا آنها موافقت خواهند کرد؟ ما نمی‌دانیم. کره جنوبی هم همینطور. ایالات متحده به سامسونگ، شرکت بزرگ کره جنوبی می‌گوید، شما باید ارتباط خود را با بازار اصلی خود قطع کنید، زیرا ما برخی از پتنت هایی داریم که شما از آنها استفاده می‌کنید. صنعت ژاپن هم همینطور.

هیچ کس نمی‌داند که آنها چگونه واکنش نشان خواهند داد. آیا آنها به میل خود صنعتی زدایی می‌کنند تا با سیاست تسلط جهانی ایالات متحده مطابقت داشته باشد؟ جنوب جهانی - هند، اندونزی، کشورهای آمریکای لاتین - قبلاً می‌گویند، ما چنین تحریم هایی را نمی‌پذیریم. این می‌تواند به یک رویا رویی بزرگ در صحنه جهانی تبدیل شود.

بار سامیان: رافائل گروسی، مدیر آژانس بین المللی انرژی اتمی، نسبت به خطرات ناشی از راکتورهای هسته ای در اوکراین هشدار داده است. او می‌گوید که گلوله باران و جنگ در نزدیکی آنها می‌تواند باعث "یک فاجعه هسته ای" شود. در همین حال، **دولت بایدن** با "مدرن سازی" سلاح های هسته ای ایالات متحده پیش می‌رود. آیا این نمونه دیگری از زمانی است که دیوانه ها پناهگاه را کنترل می‌کنند؟

چامسکی: متأسفانه، یکی از مشکلات عمده ای که **دن السبرگ** و برخی دیگر سال ها در تلاش برای درک ما هستند، تهدید فزاینده جنگ هسته ای است. بر واشنگتن، مردم در مورد آن صحبت می‌کنند که انگار یک شوخی است: بیا بید یک جنگ هسته ای کوچک با **چین** داشته باشیم! ژنرال نیروی هوایی ما یک مینیها ن اخیراً پیش بینی کرد که تا دو سال دیگر با **چین** جنگ خواهیم داشت. فراتر از جنون است جنگی بین قدرت های هسته ای وجود ندارد.

در همین حال، برنامه ریزی استراتژیک ایالات متحده در دوران **ترامپ**، که توسط **بایدن** گسترش یافت، آماده سازی برای دو جنگ هسته ای با روسیه و **چین** بوده است. یله، آن راکتورهای هسته ای اوکراین یک مشکل بزرگ هستند، اما فراتر از آن است. ایالات متحده اکنون در حال ارسال تانک و

سایر تسلیحات به اوکراین است **لهستان** هواپیماهای جت می فرستد. دیر یا زود، روسیه احتمالاً به مسیرهای عرضه حمله خواهد کرد. (تحلیلگران نظامی ایالات متحده کمی تعجب کرده اند که این مدت طولانی متوقف شده است.) شما چهره های برجسته ای از واشنگتن دارید که از کیف بازدید می کنند. آیا کسی را به خاطر دارید که از پایتخت عراق، بغداد، بازدید کرده باشد، زمانی که ایالات متحده آن را به خاک می کوبید؟ در خاطره من نیست در واقع، به چند تن از داوطلبان صلح دستور داده شد که از کشور خارج شوند، زیرا این کشور بسیار ویران شده بود. **اوکراین** به شدت ضربه خورده است، اما اگر روسیه به غرب اوکراین از جمله مسیرهای تدارکاتی حمله کند، شاید حتی فراتر از آن، در آن صورت رویارویی مستقیم با **نا تو** ممکن می شود. در واقع، در حال حاضر در حال بالا رفتن از نردبان تشدید است تا کجا پیش خواهد رفت؟ شما افرادی در بخش **شاهین ها** «جنگ طلبان» دارید که می گویند شاید بتوانیم ناوگان دریای سیاه روسیه را غرق کنیم و اگر چنین است، آنها می گویند، متشکرم، خوب بود، ما واقعاً به آن کشتی ها اهمیت نمی دادیم، درست است؟ در واقع، برای بازگشت به **نظرسنجی پیو**، آنها حتی جنگ هسته ای را به عنوان یکی از موضوعاتی که مردم می توانند رتبه بندی کنند، فهرست نکردند. دیوانگی تنها کلمه ای است که می توانید برای آن استفاده کنید.

برسامیان: با صحبت از خطرات سیاره ای، معاهده استارت بین آمریکا و روسیه محدودیت هایی را برای کلاهک های هسته ای راهبردی مستقر ایجاد کرد. اخیراً روسیه مشارکت خود در آن را به حالت تعلیق درآورده است. این چه خطری دارد؟

چامسکی: روسیه به شدت محکوم شد. درسته اعمال منفی باید مورد انتقاد قرار گیرد. اما پیشینه ای برای آن وجود دارد که قرار نیست در مورد آن صحبت کنیم. رژیم کنترل تسلیحات در طول 60 سال به سختی توسعه یافت. کار سخت و مذاکره زیاد. تظاهرات مردمی عظیم در ایالات متحده و اروپا باعث شد تا **رونالد ریگان** پیشنهادات **میخائیل گورباچف**، رهبر روسیه را برای پیمان موشک های میان برد کوتاه در اروپا بپذیرد، گامی بسیار مهم در سال 1987. **دوایت دی. آیزنهاور** تفکر در مورد معاهده آسمان های باز را آغاز کرده بود. **جان اف کندی** چند قدم برداشت یا گذشت زمان، توسعه یافت تا اینکه **جورج دبلیو بوش** رئیس جمهور شد.

از آن زمان، حزب جمهوری خواه به طور سیستماتیک 60 سال کنترل تسلیحات را از بین برده است. **بوش** معاهده موشک های ضد بالستیک را منحل کرد. این بسیار مهم بود. این یک خطر بزرگ برای روسیه است که تاسیسات ABM درست در نزدیکی مرز خود داشته باشد، زیرا این سلاح ها اولین حمله هستند. **ترامپ** با توپ ویران کننده اش آمد و از شر معاهده INF **ریگان-گورباچف** و بعداً معاهده آسمان های باز خلاص شد. او همچنین دنبال معاهده استارت جدید بود، اما **بایدن** به موقع وارد شد تا با پیشنهاد های روسیه برای تمدید آن موافقت کند. حالا روس ها آن یکی را تعلیق کرده اند. همه اینها مسابقه ای برای فاجعه است و جنایتکاران اصلی حزب جمهوری خواه در ایالات متحده هستند. اقدام **پوتین** را باید محکوم کرد، اما به سختی در انزو انجام شد.

برسامیان: اطلاعات آمریکا اخیراً ارزیابی سالانه تهدیدات خود را منتشر کرده است. این بیانیه می گوید: «چین این توانایی را دارد که مستقیماً سعی کند نظم جهانی مبتنی بر قوانین را در هر قلمرو و در چندین منطقه به عنوان یک رقیب نزدیک به همتا تغییر دهد که به طور فزاینده ای برای تغییر هنجارهای جهانی فشار می آورد.» این عبارت "نظم جهانی مبتنی بر قوانین" اورول قدیمی است.

چامسکی: جمله جالبی است. در ایالات متحده، اگر شما یک مفسر و محقق روشنفکر مطیع هستید، این را بدیهی می دانید که ما باید یک نظم مبتنی بر قوانین داشته باشیم. اما چه کسی قوانین را تعیین می کند؟ ما این سوال را نمی پرسیم زیرا پاسخ واضحی دارد: قوانین توسط پدرخوانده در واشنگتن تعیین می شود. چین اکنون آشکارا آن را به چالش می کشد و سال هاست که خواستار ایجاد نظم بین المللی مبتنی

بر سازمان ملل است که توسط بسیاری از جهان، به ویژه جنوب جهانی حمایت می‌شود یا این حال، ایالات متحده نمی‌تواند عدم تعیین قوانین را بپذیرد، زیرا این امر مستلزم محدودیت شدید در برابر تهدید یا استفاده از زور در امور بین‌المللی است که به معنای ممانعت از سیاست خارجی ایالات متحده است. آیا می‌توانید رئیس‌جمهوری را تصور کنید که درگیر تهدید یا استفاده از زور نشده باشد؟ و نه فقط اقدامات جنا پیکارانه گسترده مانند حمله به عراق. وقتی **اوباما** به ایران می‌گوید که همه گزینه‌ها باز هستند مگر اینکه آنچه ما می‌گوییم انجام دهید، این یک تهدید به زور است. تک تک رؤسای جمهور ایالات متحده نظم بین‌المللی مبتنی بر سازمان ملل را نقض کرده اند.

و در اینجا یک پاورقی کوچک است که قرار نیست به آن استناد کنید. آنها همچنین قانون اساسی ایالات متحده را نقض کرده اند. مقاله ششم را بخوانید که می‌گوید معاهدات منعقد شده توسط ایالات متحده، قانون عالی سرزمینی است که هر مقام منتخب موظف به رعایت آن است. مهمترین معاهده پس از جنگ جهانی دوم منشور سازمان ملل بود که تهدید یا استفاده از زور را ممنوع می‌کند. به عبارت دیگر، تک تک رئیس‌جمهورهای ایالات متحده قانون اساسی را نقض کرده‌اند، قانون اساسی را که ما باید آن‌طور که خدا به ما داده است، بپرستیم.

بنا بر این، آیا **چین** به یک "رقیب هم‌تا" تبدیل می‌شود؟ در مناطق اطراف آن است. به بازی‌های جنگی «جنگ طالبان» که توسط پنتاگون اجرا می‌شود نگاه کنید و آنها نشان می‌دهند که اگر یک جنگ محلی بر سر **تایوان** رخ می‌داد، احتمالاً **چین** برنده می‌شد. البته، این ایده مضحک است زیرا هر جنگی به سرعت به یک جنگ پایانی منفجر می‌شود. اما اینها بازی‌هایی است که انجام می‌دهند. بنا بر این، **چین** یک رقیب هم‌تا است. آیا درست و قانونی عمل می‌کند؟ البته که نه. این سنگ‌های مستحکم در دریای **چین** جنوبی است. نقض قوانین بین‌المللی، نقض حکم خاص سازمان ملل است، که اما در حال گسترش است.

باین حال، تهدید اصلی **چین**، ابتکاراتی مانند گرد هم آوردن عربستان سعودی و ایران و از این رو انداختن یک آچار جدی به سیاست‌های 80 ساله ایالات متحده برای کنترل خاورمیانه است. از نظر استراتژیک، همانطور که دولت بیان کرد، این منطقه "مهمترین منطقه در جهان" است، و شیپور چین در آن، ایجاد یک راه حل سیاسی که ممکن است تنش‌ها را کاهش دهد، حتی ممکن است جنگ هولناک یمن را حل کند و در عین حال متحد اصلی واشنگتن را گرد هم آورد. آنجا، عربستان سعودی و ایران، دشمن اصلی آن. این غیر قابل تحمل است. برای ایالات متحده و اسرائیل، این یک ضربه واقعی است.

بارسامیان: کتاب کلاسیک شما با **ادهرمان** رضایت تولید است. اگر امروز آن را به روز می‌کردید، البته چین و/یا روسیه را جایگزین اتحاد جماهیر شوروی می‌کردید و بدون شک رشد رسانه‌های اجتماعی را اضافه می‌کردید. چیز دیگری مد نظر دارید؟

چامسکی: اینها چیزهای اصلی خواهند بود. شبکه‌های اجتماعی نکته کوچکی نیست. این تأثیر بسیار پیچیده‌ای بر جامعه آمریکا دارد. به حمله آمریکا به عراق برگردید. اکثریت مردم فکر می‌کردند که **صدام حسین** مسئول 11 سپتامبر بود. فراتر از عجیب و غریب، اما آنها در اینجا به اندازه کافی تبلیغات شنیده بودند که آن را باور کنند. رسانه‌های اجتماعی فقط همه اینها را بدتر می‌کنند. مطالعه‌ای که اخیراً روی جوانان، در مورد آنچه که نسل Z نامیده می‌شود، و جایی که آنها اخبار خود را دریافت می‌کنند، نشان داد که تقریباً هیچ کس دیگر روزنامه نمی‌خواند. تقریباً هیچ کس تلویزیون تماشا نمی‌کند. افراد بسیار کمی حتی به فیس‌بوک نگاه می‌کنند. آنها آن را از **TikTok**، اینستاگرام

دریافت می‌کنند. چه نوع جامعه‌ای قرار است سعی کند این دنیا را از تماشای مردمی که در TikTok سرگرم سرگرمی می‌کنند، درک کند؟

اثر دیگر رسانه‌های اجتماعی این است که مردم را به سمت حساب‌های خودتقویت‌کننده سوق می‌دهد. همه ما مشمول آن هستیم افرادی مثل من به برنامه شما یا Democracy Now گوش می‌دهند ما به Breitbart گوش نمی‌دهیم برعکس، همین امر صادق است و هیولای دیگری در راه است، سیستم چت بات هوش مصنوعی، راهی فوق‌العاده برای ایجاد اطلاعات نادرست، شیطان سازی، افترا. احتمالاً راهی برای کنترل آن وجود ندارد. همه اینها بخشی از رضایت تولید است. ما بهترین و درخشان‌ترین هستیم. آن افراد را از موهای ما بیرون کنید و ما دنیا را به نفع همه اداره خواهیم کرد. ما دیدیم که چگونه کار می‌کند.

برسامیان: چگونه بر تبلیغات غلبه کنیم و چه تکنیک‌هایی برای به چالش کشیدن سرمایه‌داری وحشی وجود دارد؟

چامسکی: روشی که شما تبلیغات را به چالش می‌خواهید بکشید، روشی است که آن را انجام می‌دهید، فقط بیشتر – فعال‌تر، فعال‌تر. بر مورد سرمایه‌داری وحشی، دو مرحله وجود دارد. کوچکتر برای از بین بردن قسمت وحشی است. دقیقاً آرمان شهری نیست که بگوییم: بیا بید به آنچه قبل از ریگان داشتیم برگردیم. بیا بید یک سرمایه‌داری نسبتاً خشن داشته باشیم که در آن هنوز دستمزدهای مناسب، حقوق مردم و غیره وجود دارد. دور از ایده آل، اما بسیار بهتر از آنچه که ما از آن زمان داشته ایم.

مرحله دوم رهایی از مشکل اصلی است. بیا بید به مراحل اولیه انقلاب صنعتی در ایالات متحده برگردیم. کارگران این را بدیهی می‌دانستند که قرارداد دستمزد یک حمله کاملاً نامشروع به حقوق اولیه آنهاست و شما را تبدیل به آنچه آشکارا "برندگان مزدی" نامیده می‌شود، می‌کند. چرا باید در تمام زندگی بیداری خود از دستورات یک استاد پیروی کنیم؟ امری ناپسند محسوب می‌شد. حتی این شعار حزب جمهوری خواه در زمان لینکلن بود که این غیرقابل تحمل است. آن جنبش تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت تا اینکه سرانجام توسط وودرو ویلسون ترساندن سرخ، که اساساً حزب سوسیالیست و جنبش کارگری را از بین برد، درهم شکست. بهبودی در دهه سی رخ داد، اما نه به آن حد.

و حالا حتی آن هم از بین رفته است. مردم این را بالاترین هدف خود در زندگی می‌دانند که در بیشتر عمر بیداری خود تحت فرمان یک استاد باشند. و این تبلیغات واقعاً مؤثر است، اما می‌تواند تغییر کند. در حال حاضر پیشنهادهایی برای مشارکت کارگران در مدیریت وجود دارد که هر چیزی جز آرمان شهر است. آنها در آلمان و جاهای دیگر وجود دارند و این می‌تواند اینگونه باشد: چرا ما این شرکت را برای خودمان نمی‌گیریم؟ چرا باید از دستورات یک بانکدار در نیویورک پیروی کنیم در حالی که می‌توانیم این مکان را بهتر اداره کنیم؟ من فکر نمی‌کنم که این همه دور باشد.

برسامیان: دیوانه‌ها ظاهراً پناهگاه را کنترل می‌کنند. چه نشانه‌هایی از سلامت عقل برای مقابله با دیوانگان وجود دارد؟

چامسکی: فعالیت‌های مردمی زیادی وجود دارد. در خیابان‌هاست جوانانی که خواستار رفتار شایسته با دیگران هستند. بسیاری از آن بسیار محکم و جدی است. شورش انقراض، جنبش طلوع آفتاب. بیا بید سیاره را از نابودی نجات دهیم. صداهای زیادی وجود دارد شما، Democracy Now، کریس هجز، بسیاری از سایت‌ها، The Intercept، Truthout، Common Dreams، Altnet.

TomDispatch، و بسیاری دیگر. همه اینها تلاش برای ایجاد دنیایی جایگزین است که انسان بتواند در آن زنده بماند. اینها نشانه‌های امید برای جهان است.

تصویر ویژه Noam Chomsky Mural : اثر Tom Ipri تحت مجوز

CC BY-NC 2.0 / Flickr TomDispatch را در توئیتر دنبال کنید و در فیس بوک به ما بپیوندید.

جدیدترین Dispatch Books، رمان دیستوپیایی جدید جان ففر، (Songlands آخرین مجموعه Splinterlands او)، رمان Every Body Has a Story اثر بورلی گوگورسکی، و A Nation Unmade by War اثر تام انگلهارت، و همچنین آلفرد مک کوی در سایه‌ها را ببینید. کتاب قرن آمریکایی: ظهور و زوال قدرت جهانی ایالات متحده، کتاب «قرن خشونت‌آمیز آمریکایی: جنگ و ترور از جنگ جهانی دوم» اثر جان داور، و «آنها سربازان: چگونه زخمی‌ها از جنگ‌های آمریکا بازگشتند: داستان ناگفته» اثر آن جونز.

دیوید بارسامیان، یکی از اعضای ثابت TomDispatch، بنیانگذار و مجری برنامه رادیویی آلترناتیو رادیو است و کتابهایی با نوام چامسکی، آرونداتی روی، ادوارد سعید و هوارد زین و دیگران منتشر کرده است. آخرین کتاب او با نوام چامسکی یادداشت‌هایی در مورد مقاومت است (کتاب‌های مارکت، 2022). رادیو جایگزین، که در سال 1986 تأسیس شد، یک برنامه هفتگی یک ساعته برای امور عمومی است که به صورت رایگان برای همه ایستگاه‌های رادیویی عمومی در ایالات متحده، کانادا، اروپا و فراتر از آن ارائه می‌شود.

نوام چامسکی، یکی از اعضای عادی TomDispatch، استاد مؤسسه (بازنشسته) در گروه زبان شناسی و فلسفه در مؤسسه فناوری ماساچوست و برنده استاد زبان شناسی و کرسی آگنسی نلمز هاورلی در برنامه محیط زیست و عدالت اجتماعی در دانشگاه آریزونا است. او نویسنده کتاب‌های پرفروش سیاسی متعددی است که به چندین زبان ترجمه شده‌اند، از جمله اخیراً خوش بینی بر ناامیدی، پرتگاه و با مارو واتراستون، پیامدهای سرمایه‌داری. آخرین کتاب او یادداشت‌هایی در مورد مقاومت است.

----- **با تقدیم احترامات** «14-04-2023»